

## نقش پلیس در پیشگیری از جرائم

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۹/۲۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۱۲/۱۰)

### عباس درویشی

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی و استوار دوم

### چکیده:

در این رهگذر روش‌های پیشگیری همانند خود جرم، گونه‌های متعددی را شامل می‌شوند، گونه‌هایی که حسب مورد ابعادی فردی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و آموزشی و در گام نهایی کیفری به خود می‌گیرند، به واقع آن‌گاه که شیوه‌های غیر کیفری از حفظ ارزش‌ها ناتوان هستند، از قوی‌ترین ابزار یعنی کیفر استمداد می‌شود، بدین معنا که قوانین کیفری وضع می‌گردند و مرتکبان اعمال مجرمانه مجازات می‌شوند، تا از بزهکاری‌های آتی مجرم متحمل کیفر و سایر افراد جامعه جلوگیری به عمل آید و در همین نقطه است که پیوند بازدارندگی و پیشگیری، جشن گرفته می‌شود. حمایت از بزه دیدگان بالقوه جرایم، ایجاد احساس امنیت عمومی از طریق حضور در سطح شهر و اماکنی که احتمال وقوع جرم در آن وجود دارد دریافت گزارشهایی راجع به ارتکاب یا احتمال ارتکاب جرایم، حضور در صحنه‌های جرم یا محتمل به بزهکاری - ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی به شهروندان در زمینه‌های امنیتی و پیشگیری از جرایم - ارائه برنامه‌ها و طرح‌های امن سازی محله‌ها و محیط‌های خاص شهری در مقابل مجرمان حرفه‌ای - ارائه پیشنهادات علمی و سازنده برای اصلاح ساختارهای جرم خیز و تصویب قوانین متناسب به مقامات ذیصلاح، تهیه آمار جرایم اعم از شروع به جرم، جرایم تام، عقیم و محال به تقکیک جرایم علیه اشخاص اموال و امنیت. البته در کشورهای مختلف اختیارات پلیس دارای محدودیتهای معین و گسترده‌تر از نهاد مشابه آن در سایر کشورها می‌باشد همین امر منجر به آن شده تا تفاسیر متعددی از مفهوم پلیس ارائه شده و گاه بتوان آن را به مفهوم مجموعه سازمانی مقابله و مبارزه با جرایم محسوب داشت که در این صورت شامل سازمان قضایی و دادگستری نیز خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** مجازات، بازدارندگی، پیشگیری، تکرار جرم، حتمیت و قطعیت



## بخش اول: کلیات

### بند اول: بررسی جزایی پیشگیری از جرم

مطالعات و یافته های تحقیقات در قلمرو تاریخ حقوق کیفری نشان می دهد که جوامع بشری برای مقابله با جرم عمدتاً از مجازات، آن هم از انواع شدید آن، استفاده می کرده اند (پیشگیری کیفری) به عنوان نمونه، قانون «هیتی ها» یا «هی تیت ها» و قانون «حمورابی» که مربوط به حدود چهار هزار سال پیش است و حدود یک قرن پیش کشف شده اند، رژیم کیفری نسبتاً شدیدی را البته با درجه های متفاوتی برای حمایت از ارزش ها غالب و حاکم در جوامع خود و نیز مبارزه با متجاوزان به این ارزش ها پیش بینی کرده بودند. اما به حکایت همین یافته های حقوق کیفری و مکاتب مختلف فلسفی - کیفری، این شدت و حدت نظام کیفری نتوانسته است آن طور که انتظار می رفته است، منحنی جرائم را مهار کند یا آن ها را از میان ببرد. توکد رشته های انسان شناسی جنایی و سپس جرم شناسی در ربع آخر سده نوزدهم تا حد زیادی به دنبال شکست نظام کیفری در مهار موج بزهکاری بوده است. موضوع جرم شناسی یعنی علم جرم، بررسی ماهیت و فرآیند تکوین جرم یا به عبارت دیگر علت شناسی جرم است. اگر چه جرم شناسی موضوع مطالعه عمده خود یعنی جرم را از حقوق کیفری می گیرد، لیکن برای انجام تحقیقات و مطالعات خود به عنوان رشته ای مستقل از مفاهیم و روش های خاص خود استفاده می کند. مثلاً به جای جرم که مفهومی است حقوقی از اصطلاح و مفهوم تبهکاری یا بزهکاری استفاده می کند که معنا و آثار خاص خود را در این علم دارد. بی تردید مفهوم بزهکاری خرد یا کوچک، مفهومی متغیر در مکان و زمان است. چه بسا جرمی که در فرانسه کم اهمیت و پیش پا افتاده تلقی می شود، در ایران جرم متوسط یا یک جرم بزرگ تلقی گردد، یا بالعکس. همان طور که پیش تر گفته شد، جرم شناسی از طبقه بندی بزهکاری هدف های خاص خود را دنبال می کند. یکی از این هدف ها، پیشگیری از بزهکاری و نیز پیشگیری از تکرار جرم است. در بحث تکرار جرم، جرم شناسی بالینی جدید که هدفش پیشگیری از تکرار جرم است آن را هم از طریق اصلاح و درمان و هم از طریق اقدامات کیفری و تدابیر تأمینی تجویز می کند.

اصولاً اقدامات پیشگیری از تکرار جرم بطور کلی در چهار مرحله ممکن است صورت بگیرد:

اول: در مرحله دادسرا و تعیین مجازات (طبق ماده ۱۳۴ ق.آ.د.ک مبنی بر صدور قرار مناسب)

دوم: مرحله دادگاه و تعیین مجازات مناسب (طبق ماده ۲۲ ق.م.ا برای تعیین مجازات مناسب)



سوم: مرحله زندان و اجرای حکم (ماده ۳ و مواد دیگر آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها) چهارم: مرحله پسا کیفری (پس از تحمّل کیفر)

در تمامی مراحل فوق قاضی می تواند متهم را به تحمّل مجازات یا اقدامی خاص در خارج از زندان محکوم کند. اما کنترل این افراد به دلیل کثرت پرونده ها و جمعیت مجرمین، امکانات محدود قوه قضائیه، نمی تواند به خوبی صورت گیرد به این منظور و حسب وظایف نظم بخشی پلیس در جامعه، پلیس های تخصصی به وسیله کارشناسان مجرب و با به کار گیری شیوه های نوین، مجرمین را تحت کنترل و نظارت درمی آورند.

### بند دوم: اهمیت پیشگیری از جرم در اسلام

در تعلیم دین اسلام پیشگیری از جرائم اهمیت و جایگاه ویژه ای دارد. بررسی متون فقهی نشان می دهد که دین اسلام برای پیشگیری از وقوع هر دسته از جرائم، تعلیم خاصی ارائه کرده است، به طور مثال برای پیشگیری از ربا دادن و گرفتن که در میان بسیاری از کشورها رایج شده است، قرض الحسنه را برای حل مشکلات مردم پیش بینی کرده و با ضمانت اجرای سنگین ربا را منع نموده است. برای جلوگیری از انحرافات جنسی (زنا کاری و فحشا) آسان گیری در امر ازدواج را ترویج کرده است. از تعلیم بسیار مؤثر اسلام در پیشگیری از بزهکاری، امر به معروف و نهی از منکر و پاسخ های مردمی به جرائم و کژروی های اجتماعی است. به طور مسلم در صورتی که این اقدام ها به طور صحیح اعمال شود، نتایج بسیار مثبتی به بار می آورد. امر به معروف و نهی از منکر باید خصوصیات داشته باشد که مهم ترین آن ها موافق بودن قول و عمل، آزادگی و آزاد مردی، شرح صدر، آشنایی با معروف و منکر، حسن خلق و پرهیز از سخن مبهم است. امر به معروف و نهی از منکر از ابزار قوی برای ترسیم سیاست جنایی کشورهای اسلامی است و باید در برنامه ریزی سیاست جنایی از آن بهره برداری نمایند.

### بند سوم: پیشگیری از جرم در قوانین

گنگره های پنج ساله سازمان ملل متحد تحت عنوان «پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران» و یکی از کمیسیون های فنی شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان نیز تحت عنوان «کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» نام گذاری شده است. «کمیته اروپایی مسائل جنایی» شورای اروپا در همایش ها، قطعنامه ها و توصیه نامه های خود پیشگیری را از اولویت های سیاست جنایی در اروپا می داند.



امروزه در سطح داخلی نیز دولت‌ها کمیسیون یا کمیته یا شورای خاصی را به عنوان متولی و مسئول پیشگیری از بزهکاری ایجاد نموده، مدیریت آن را به وزارت کشور (مثلاً در انگلستان) یا به وزارت دادگستری (مثلاً در نروژ، دانمارک) یا به طور مشترک به دو وزارتخانه کشور و دادگستری (مثلاً در هلند) یا به صورت مدیریت مشترک به نمایندگان جمعی از وزارتخانه‌ها (مثلاً در فرانسه) یا مستقیماً به سازمان پلیس (مثلاً در قبرس) محول می‌کنند یا بعضی کشورها نهاد مستقلی را برای اداره و هدایت امر پیشگیری ایجاد می‌نمایند. در ایران نیز پیشگیری از بزهکاری در متون رسمی مورد توجه قرار گرفته و این مفهوم علاوه بر ورود در نوشته‌های فارسی جرم‌شناسی، در بعضی قوانین و مقررات نیز وارد شده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصل «اصلاح و درمان بهتر از کیفر» و پیشگیری بهتر از درمان است» در وضع و اصلاح قوانین بر پیشگیری از جرائم توجه بیشتری گردیده و جایگاه خاصی برای آن در نظر گرفته شده است. لذا برای تبیین این جایگاه، به مطالعه و بررسی بعضی از قوانین می‌پردازیم.

### **بند چهارم: پیشگیری از جرم در قانون اساسی**

قانون جمهوری اسلامی ایران پیشگیری از جرم را در اصل ۱۵۶ قانون اساسی به طور صریح و در اصل ۸ به طور غیر مستقیم، مطمح نظر قرار داده است که این موضوع نشانگر اهمیت و نقش اساسی پیشگیری از جرم به عنوان یکی از ابزارهای مهم کنترل جرایم است.

در اصل ۱۵۶ ق.ا.ج.ا. چنین آمده است: «قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند؛
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛
- ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام؛
- ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین»



قانون اساسی با نگرش به بند ۵ اصل ۱۵۶، وظیفه اصلی واکنش در برابر جرم را به قوه قضائیه محول نموده است. تدوین این بند، نشانگر آگاهی نویسندگان این قانون به اصول علمی مقابله با جرایم است و نشان می‌دهد که اهمیت پیشگیری از جرایم کمتر از مجازات نیست.

در اصل هشتم ق.ا.ا. امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای همگانی و متقابل که به عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت معرفی گشته است که شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند:

(والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولياء بعض یاى مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر)  
در جهان امروز، سیاست جنایی تنها اقدام های رسمی (دولتی) را شامل نمی‌شود؛ بلکه مشارکت مردمی در پیشگیری از جرائم را بیشتر مد نظر قرار داده اند و این اصل (اصل هشتم)، مشارکت مردمی را بر اساس تعالیم اسلامی از طریق امر به معروف و نهی از منکر به عنوان بهترین شیوه کنترل اجتماعی غیر رسمی و سیاست جنایی مشارکتی ترسیم نموده است.

### **بند پنجم: پیشگیری در قوانین عادی**

الف) قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۹  
در ماده یک این قانون چنین آمده است: «اقدام های تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم درباره مجرمان خطرناک اتخاذ می‌کند. مجرمان خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان، کیفیت ارتکاب جرم توسط آنان و نوع جرم ارتکابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار می‌دهد.»

ب) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۷ تیرماه سال ۱۳۶۹  
در بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی چنین آمده است: «انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است، از قبیل:

مبارزه با مواد مخدر؛

مبارزه با قاچاق؛

مبارزه با منکرات و فساد؛

پیشگیری از وقوع جرائم؛

کشف جرائم؛



بازرسی و تحقیق؛

حفظ آثار و دلایل جرم؛

دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفای آنان

اجرا و ابلاغ احکام قضایی»

در قسمت د بند ۸ این قانون، پیشگیری از وقوع جرائم را جزو وظایف نیروی انتظامی ذکر کرده است.

ج) آیین نامه سازمان زندان ها مصوب ۱۳۷۲

در بند ۱۱ ماده ۲۳ آیین نامه سازمان زندان ها مصوب فروردین ۱۳۷۲، یکی از وظایف آن سازمان را «شناخت روش های پیشگیری از وقوع جرائم» اعلام می کند.

د) قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن، مصوب ۱۳۶۸/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام

در ماده ۳۳ این قانون چنین آمده است: «به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل اعم از تولید، توزیع، خرید و فروش و استعمال آن ها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی و قضایی و برنامه های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این ستاد متمرکز خواهد بود. در اجرای این ماده و به منظور کنترل اعتیاد به مواد مخدر، ستاد در ۲. بهمن ۱۳۷۷ آیین نامه «پیشگیری از اعتیاد، درمان اعتیاد و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد به مواد مخدر» را نیز تصویب کرده است. بدین ترتیب ملاحظه می شود که در سطوح بین المللی، قاره ای، منطقه ای و ملی پیشگیری از بزهکاری (پیشگیری غیر کیفری)، در کنار سرکوبی غیر کیفری جرائم از جایگاه خاصی برخوردار شده است که یا به عنوان یک وظیفه جدید به عهده نهاد پلیس سنتی گذاشته شده یا برای اجرای آن اشکال جدید پلیس، یعنی پلیس های محلی و بعضاً «پلیس های اداری» خاصی، ایجاد شده است.

## بخش دوم: انواع پیشگیری از جرایم

### بند اول: تعریف پیشگیری

سالیان متمادی تصور می شد تنها شیوه های سنجیده کنترل جرم در قالب سیستم عدالت کیفری شکل می گیرد و از رهگذر مجازات اعمال می شود. اما امروزه می توان گفت نوعی همگرایی بر سر



این مفهوم وجود دارد که فرآیند جرم انگاری یک پیش شرط ضروری برای پیوستگی اجتماعی و کنترل اجتماعی نیست و به عبارت دیگر کنترل، تنها در اشکال رسمی ظاهر نمی شود. از سوی دیگر بر پیوستگی جرم با زمینه های بروز و ظهور آن تأکید می شود. از این منظر جرم نمی تواند به منزله ی یک امر انتزاعی و جدای از بستری که در آن شکل گرفته است، بررسی و کنترل شود. این رویکرد در نهایت به غنی سازی جرم شناسی و پدید آمدن جرم شناسی پیش گیرانه می انجامد که به مفهومی مضیق از پیشگیری قائل است. واژه پیشگیری، امروزه در معنی جاری و متداول آن دارای دو بُعد است: پیشگیری یا جلوگیری کردن، «هم به معنی پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و جلوی چیزی رفتن است و هم به معنی آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» اما در جرم شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می شود، یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، هدف به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است. پیشگیری از لحاظ لغوی به مفهوم جلوگیری، مانع شدن، جلو بستن و اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته است. در جرم شناسی پیشگیرانه مقصود از پیشگیری از جرم، کلیه اقدامات و تدابیری است که هدف آن، کاهش فرصت ها و موقعیت های ارتکاب جرم و یا به حداقل رسانیدن وسعت و شدت ارتکاب جرم است. به عبارت روشن تر، اول شناخت اوضاع و شرایط جرم زا و زمینه هایی که وجود فقدان آن سبب تسهیل ارتکاب بزه می شود، دوم تلاش برای حذف و یا از بین بردن شرایط جرم زا.

پیشگیری در این مفهوم به منزله ی وسایل و ابزار است که دولت برای مهار کردن بهتر بزهکاری از دو طریق مورد استفاده قرار می دهد:

نخست؛ از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم زا، و دوم از راه مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی (چه فیزیکی و چه اجتماعی) که به نوبه خود فرصت های مناسبی را برای ارتکاب جرم ایجاد می کند. در این تعریف، پیشگیری از تکرار جرم منظور نیست، بلکه اقداماتی مورد توجه قرار می گیرد که ناظر به قبل از ارتکاب جرم است. در این معنا، پیشگیری یکی از وسایل و امکانات سیاست جنایی است و در پیشگیری کیفری از آن به عنوان یک ساز و کار مکمل بهره گیری می شود. در تعریف مذکور دو قطعیت وجود دارد:



الف - تفکیک پیشگیری از نظام کیفری؛ چرا که وجود نظام کیفری و مداخله آن به مناسبت وقوع جرم است. رسالت های کیفر، بازپروری اجتماعی مجرم، کیفر زدایی، اصلاح بزهکاران و جایگزین های مجازات سالب آزادی، جملگی در چهارچوب نظام قضایی و خارج از معنای مضیق پیشگیری هستند.

ب - تفکیک پیشگیری از اقدامات رفاه اجتماعی؛ زیرا این اقدامات شامل تدابیری است باهدف بهبود زندگی در جامعه؛ این بهبود از طریق ایجاد گشایش های مادی و تامین نیازهای برخی گروه های خاص، صورت می پذیرد و گر نه ممکن است به گونه ای غیر مستقیم اثر پیشگیرانه داشته باشد، اما فاقد خصایص پیشگیری است به نحوی که بدان اشاره خواهد شد.

ریمون گسن پیشگیری را در مطلبی تحت عنوان از ریشه کلمه تا معنای علمی، چنین تعریف می نماید: «از نظر ریشه شناسی، کلمه پیشگیری دارای بعد مضاعف است: پیشگیری کردن در عین حال جلو رفتن و آگهی دادن است. در جرم شناسی، پیشگیری به معنای اول کلمه گرفته شده و عبارت است از: جلوی تبهکاری رفتن با استفاده از فنون گوناگون مداخله، به منظور ممانعت از وقوع بزهکاری است. از دیدگاه علمی، مراد از پیشگیری، هر گونه فعالیت سیاست جنایی است برای محدود کردن امکان پیش آمدن مجموعه اعمال مجرمان، از راه غیر ممکن یا دشوار ساختن و پایین آوردن احتمال وقوع آن، بدون این که به کیفر یا جزای آن متوسل شوند.» اوصاف خاص تدابیر پیشگیرانه را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

- ۱- تدابیر یا اقدامی پیشگیری از بزهکاری محسوب می شود که هدف انحصاری آن تضمین جلوگیری از جرم باشد، یعنی این اقدامات بر عوامل یا فرآیندهای منجر به جرم تاثیر قاطع بگذارد.
- ۲- تدابیر باید خطاب به جمعی از مردم باشد. بنابراین اقداماتی پیش گیرانه محسوب می شود که فردی نباشد. این گونه برنامه ها در بحث اصلاح و درمان در حوزه ی جرم شناسی بالینی قرار می گیرد.
- ۳- این اقدامات به قبل از ارتکاب جرم و قطعیت یافتن عمل مجرمانه مورد استفاده قرار گیرد.
- ۴- این تدابیر به دلیل آن که قبل از وقوع جرم مورد بهره گیری واقع می شوند فاقد خصیصه ی قهرآمیز و الزام آور است.

لذا اکنون می توانیم تعریف دقیق تری از پیشگیری ارائه دهیم:



«مجموعه اقدامات سیاست جنایی به استثنای اقدام های کیفری ، غایت و هدف انحصاری آن و یا دست کم هدف جزئی آن محدود کردن ارتکاب و وقوع مجموعه جرائم باشد.»

### **بند دوم: انواع پیشگیری**

الف: پیشگیری کیفری: شیوه پیشگیری کیفری در کشور انگلستان و توسط دولت محافظه کار تحت رهبری خانم مارگات تاچر یا به اصطلاح بانوی آهنین انگلستان به وجود آمد که با تکیه بر آن و بر موضوع «نظم و قانون» در انتخابات ۱۹۷۹ انگلستان به پیروزی رسید. بر مبنای این نظریه مجرمان نمی توانند برای فرار از مسئولیت بر عواملی چون محرومیت های اجتماعی استناد کنند. بلکه باید مسئولیت کامل در قبال اعمال خود را بپذیرند که این امر لاجرم منتهی به محاکمه و مجازات آن ها می شود. به دلیل ارتباط این دیدگاه با حزب محافظه کار، گاهی از آن با عنوان سیاست «محافظه کارانه» یاد می شود. دولت محافظه کار انگلستان با افزودن بر مجازات جرائم و بیشتر کردن اختیارات پلیس و حتی اعطای اضافه حقوق قابل توجهی به نیروهای پلیس در کاستن از تعداد جرائم تلاش کرد. لیکن این همه افزایش هزینه های اجرایی باعث هیچ کاهش قابل ملاحظه ای در تعداد جرائم نشد. در این نوع پیشگیری سعی می شود با تکیه بر اثرهای کیفر و اعمال مجازات، با اجرای اصولی، سریع و حتمی کیفر، بر افکار عمومی تاثیر گذارند تا از ارتکاب جرایم پیشگیری کنند؛ اما باید اذعان کرد هر چند که در بسیاری از کشورها مجازات های سنگینی وضع شده؛ اما در مهار جرائم موفق نبوده اند و این پیشگیری، انتظارات را بر آورده ننموده است. پیشگیری کیفری به دو شاخه عام و خاص تقسیم می شود.

۱- پیشگیری کیفری عام: قانونگذار با وضع قوانین جزایی شکلی و ماهوی افراد جامعه را از انجام و عدم انجام اقدامات و رفتارهایی باز می دارد که برای متخلفین از آن، قوانین و مجازات هایی را در نظر می گیرد که بر اساس قوانین جزایی می توان مرتکبین را تعقیب کرد. در این مرحله قانونگذار از طریق تهدید به کیفر، عامه مردم را از سر پیچی و تخطی از قانون باز می دارد و به این ترتیب از وقوع جرم جلوگیری می کند و افرادی که خلاف قانون عمل می کنند مجازات می شوند.

۲- پیشگیری کیفری خاص: در این نوع مبارزه سعی می شود با اصلاح و بازپروری محکومین از روی آوردن دوباره ی آن ها به ارتکاب جرم جلوگیری شود این مرحله را پیشگیری ثانویه از جرم نیز می گویند. کما این که ماده ی ۳ آیین نامه ی اجرایی سازمان زندان ها در تعریف زندان این گونه بیان



داشته است: «زندان محلی است که در آن محکومین قطعی با معرفی مقامات ذی صلاح و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور اصلاح، تربیت و تحمل کیفر نگهداری می شوند.»

ب: پیشگیری غیر کیفری: در جرم شناسی و بر حسب تاریخ ظهور آن ها، شش نوع پیشگیری قابل تفکیک از هم است بدون این که این تفکیک و طبقه بندی مطلق باشد، چهار نوع نخست تحت عنوان «پیشگیری متداول» و دو نوع دیگر به عنوان «پیشگیری جدید» مورد توجه قرار می گیرد.

### بند سوم: پیشگیری های متداول

۱- قدیمی ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. طبق این تفکیک در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار که شخصیت آن ها در حال شکل گیری و قوام یافتن است، باید از تدابیر پرورشی و باز پروری استفاده نمود، حال آن که در مورد بزهکاران بزرگسال باید از ارباب انگیزی از طریق تهدید به مجازات استفاده کرد، زیرا شخصیت آن ها شکل و قوام گرفته است، پیشگیری اخیر با معیارهایی که قبلاً گفتیم قدری جنبه کیفری به خود می گیرد و بی تردید پلیس و نمودهای خارجی پلیس سنتی به عنوان یکی از ارکان نظام کیفری در آن نقش مهمی دارد.

۲- پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی، نوع دیگر پیشگیری از بزهکاری است. در پیشگیری عمومی اقدام علیه عوامل عمومی بزهکاری مورد توجه است.

بدیهی است نهادهای مردمی و خود مردم از جمله خانواده، مدرسه، محله،... و محیط سربازی در این نوع پیشگیری نقش عمده ای دارند. حال آن که در پیشگیری اختصاصی، عوامل اختصاصی تر جرائم و خشی کردن آن ها مورد توجه قرار می گیرد.

۳- پیشگیری انفعالی (منفعل) و پیشگیری فعال که نخستین آورده اجلاس های اینترپل در مورد پیشگیری است، از اواسط سال های شصت میلادی، در جرم شناسی پیشگیرنده، از نوع «هشدار پلیسی»، به استقبال پدیده ای که باید مانع وقوع آن شد نمی روند، بلکه به طور انفعالی منتظر تاثیر این اقدام ها باقی می مانند، حال آن که در پیشگیری فعال، پلیس برای اجتناب از وقوع جرم عمل می کند و مثلاً برنامه ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان را که در معرض جرم یا انحراف در زمان یا مکان خاصی قرار دارند، به عهده می گیرد.



مشارکت جامعه مدنی و مثلاً شوراهای شهر و شهرداری ها یا اقدام مستقل هر یک از آن ها در این خصوص نقش عمده ای ایفا می کنند.

۴- پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه و پیشگیری ثالث با الهام از مدل معمولی در پزشکی ایجاد و از هم تفکیک شده است.

۴-۱: پیشگیری اولیه، شامل اقدام هایی می شود که متمایل به تغییر اوضاع و احوال و شرایط جرم زای محیط فیزیکی و محیط اجتماعی است. (یعنی بهبود شرایط زندگی)

۴-۲: پیشگیری ثانویه، شامل اقدام های پیشگیرنده می شود که ناظر به گروه های خاص است که بیم ارتکاب جرم از سوی اعضای آن ها می رود. به عبارت دیگر مخاطب این اقدام ها، یک گروه یا جمعیت خاصی است، مثلاً کودکان و نوجوانان محله های فقیر یا بی بضاعت و دارای وضعیت نامناسب (یعنی اصلاح ساختارها و نهادهای اجتماعی مربوط)؛ اقدام های شهرداری یا تصمیمات شورای شهر و نیز فعالیت های مردمی سازمان یافته و خودجوش در این چارچوب مورد استفاده قرار می گیرند. این نوع پیشگیری اولیه و ثانویه در چارچوب جرم شناسی پیشگیرانه واقع می شود.

۴-۳: پیشگیری ثالث در واقع ناظر به پیشگیری از تکرار جرم از طریق اعمال اقدام های فردی و سازگاری مجدد بزهکاران قدیمی است. کمک ها و مساعدت های انجمن حمایت از زندانیان و اشخاص و تشکل های علاقه مند در موفقیت سیاست اصلاحی - بازپروری بزهکاران و کنترل تکرار جرم تاثیر عمده دارد.

### بند چهارم: پیشگیری جدید

جرم شناسی امروزه پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی را مطرح نموده است.

۱- پیشگیری اجتماعی یا اصلاحیاز بزهکاری شامل مجموعه ی اقدام های پیشگیرنده است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عواملی است که در تکوین جرم مؤثر بوده اند.

هدف از این نوع پیشگیری، سالم سازی محیط اجتماعی است، به طریقی که هم از جرم اولیه و هم از تکرار جرم جلوگیری شود. پیشگیری اجتماعی سعی دارد بر شخصیت افراد جامعه از طریق نهادهای اجتماعی تاثیر گذارد و افراد جامعه طوری تربیت شوند که از ارتکاب هر نوع جرمی اجتناب ورزند.

۲- پیشگیری وضعی ریشه در بزه دیده شناسی دارد. در بزه دیده شناسی، نقش بزه دیده در وقوع جرم مورد مطالعه قرار می گیرد و برای جلوگیری از قربانی شدن افراد جامعه، از پیشگیری وضعی استفاده می نمایند، مجرم با بهره برداری از فرصت ها و شرایطی که در رفتارهای قربانیان جرم خلل



ایجاد می کند، به اندیشه ارتکاب جرم می افتد و فردی است حساب گر که از طریق شیوه های فنی تا حدود زیادی می توان از عمل وی جلوگیری کرد. در واقع پیشگیری وضعی شامل مجموعه اقدام ها و تدابیری است که به سمت تسلط بر محیط پیرامونی جرم (وضعیت مشرف بر جرم) و مهار آن متمایل است. این امر از یک سو، از طریق کاهش وضعیت های ما قبل بزهکاری، یعنی وضعیت های پیش جنایی که وقوع جرم را مساعد و تسهیل می کند، انجام می شود و از سوی دیگر، با افزایش خطر شناسایی و احتمال دستگیری بزهکاران. بنابراین پیشگیری وضعی بیشتر با حمایت از آماج های جرم و نیز بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیشگیری از بزه دیدگی افراد یا آماج در برابر بزهکاران است که در نهایت و به طور غیر مستقیم کاهش بزهکاری نتیجه آن خواهد بود. در صورتی که پیشگیری اجتماعی به طور مستقیم در مقام جلوگیری از مجرم شدن افراد است، یعنی جلوگیری از تبدیل شدن بزهکاری بالقوه به بزهکاران بالفعل.

استقرار پلیس در فضای جغرافیایی معین یا گشت های پلیسی در مکان ها و محل های معین در چارچوب پیشگیری وضعی قرار می گیرد، زیرا بدین ترتیب وضعیت و اوضاع و احوال ما قبل و مشرف به بزهکاری به ضرر مجرم تغییر می کند و لاقابل مجرم را از ارتکاب جرم در آن محدوده یا نسبت به آماج معین منصرف می کند. گشت های پیاده و سواره پلیس را نیز به «پیشگیری پویا» تعبیر کرده اند زیرا فرآیند گذار از طرح و اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه را منقطع و مختل می کند.

### بخش سوم: مشکلات پلیس در بعد پیشگیری

یکی از بحث های مهم در جرم شناسی، پیشگیری از وقوع جرائم می باشد. امروزه در اکثر کشورهای جهان در بررسی های عملی و عمیق در زمینه حفظ نظم و امنیت در سطح جوامع، توجه و دقت بیشتری نسبت به گذشته در مورد جلوگیری از وقوع جرائم مبذول می دارند و سازمان های زیربند در این امر سرمایه گذاری فراوان می کنند. پلیس این گونه کشورها، نیرو و توان و بخش قابل ملاحظه ای از امکانات خود را به این منظور اختصاص می دهند، به ویژه در زمینه مقابله با جرائم سازمان یافته که عواقب و تبعات نگران کننده و لطمات بیشتری در بردارند. در پژوهش و مطالعات جدید جرم شناسی موضوع جلوگیری از جرم به عنوان مهم ترین راه برخورد با بزهکاری، مورد نظر علمای مربوطه است و تلاش دارند با توجه به اصل کلی که همیشه پیشگیری ساده تر و کم هزینه تر از درمان است، راه هایی اساسی برای مقابله با جرائم معرفی نمایند. آنچه که در بررسی های جرم شناسی و ریشه یابی انحرافات مورد نظر قرار می گیرد عوامل و علل موجهه، شرایط و انگیزه های مؤثر



در ارتکاب بزهکاری هاست. چه باید کرد تا به رغم وجود عوامل، علل، شرایط و انگیزه های جرم زا، از تاثیر و نفوذ آن ها بر افراد جامعه جلوگیری نمود و یا اثرات آن ها را کاهش داد. از بین بردن فاکتورهای جرم زا بسیار ایده آل است، ولی چون جامعه و امور آن در کنترل فرد یا سازمان خاصی نیست و یا این که نمی توان آن را محصور نمود، طبیعی است ریشه کنی فاکتورها بسیار مشکل است ولی می توان فاکتورها را تقلیل داد و یا با محدود نمودن اثرات سوء آن ها افراد را تا حدی از آسیب حفاظت نمود. از سوی دیگر مشاهده می شود هیچ جامعه ای از بزهکاری مصون نیست در هر جامعه متناسب با شرایط ویژه آن انواع جرائم و تبهکاری وجود دارد. برخی از این جرائم کم و بیش در اکثر نقاط جهان دیده می شود و پاره ای دیگر مربوط به نقاط خاص است و بالاخره تعدادی از جرائم نسبی است. کمیت و کیفیت وقوع جرائم نیز در جوامع مختلف بسیار متفاوت است. ولی به هر صورت مردم کلیه مناطق جهان با سازگاری و رفتار نابهنجار، نابسامان، خلاف ارزش های محیط خود و در نهایت بزهکاری و تبهکاری عده ای مواجه هستند. بنابراین با توجه به وجود پدیده ای به نام جرم و مطالب فشرده ای که پیرامون آن ذکر شد، مهم ترین راه و روش مقابله با آن اتخاذ برنامه و تدابیری اساسی و هماهنگ در رابطه با هر سه موردی است که بدان ها اشاره شد، یعنی: «تلاش در زدودن عوامل جرم زا در جامعه، کوشش به منظور عدم تاثیر عوامل جرم زای موجود در جامعه بر افراد و در نهایت کنترل عوامل مذکور برای جلوگیری از وقوع جرائم و جدیت در کشف جرائم واقعه» با نگرش به تنوع و فراوانی عوامل مذکور که در سطح جامعه گسترده است و مرتبط بودن آن ها با ارکان جامعه، مقابله و پیشگیری از این جهت، به همین وسعت برنامه ریزی می خواهد. به عبارتی دیگر هر نوع کوتاهی و کندی حرکت در هر یک از بخش های اجتماعی که مسئولیت و وظیفه ای را به عهده دارند در شکل گیری خلافاکارها و انحرافات اثر دارد. در این قسمت از مقابله با جرائم بر خورد با آسیب های اجتماعی است که برای رسیدن به راه های مناسب باید به وظایف و مسئولیت های سازمان ها مراجعه و نقش آن ها را از این جهت مورد بررسی قرار داد.

مرحله بعدی پیشگیری مربوط به فعالیت ها و اقدام های سازمان هایی است که مسئولیت امور فرهنگی، پرورشی و تربیتی جامعه را عهده دارند. در این بخش با فرض وجود عوامل آسیب رساننده، تلاش می شود با اثرات آن ها مقابله و تا حد امکان مردم را در مصونیت قرار داد.

سومین مرحله، پیشگیری از وقوع جرائم است که به آن مقابله و برخورد با مجرمین هم گفته می شود. جلوگیری از جرایمی که در حال وقوع است، مجرمینی که قصد ارتکاب جرم دارند و مقدمات



کار را فراهم نموده اند با دخالت به موقع، اقدام آن ها عقیم و در لحظات اولیه شروع به جرم، ناکام می گردند. اموری که در مرحله اخیر به آن ها اشاره شد وظیفه ای است که پلیس و قوه قضائیه هر جامعه بر عهده دارند. نقش پلیس در مقابله با جرائم از نظر جرم شناسی نقش مشکلی است. چرا که در کلیه مجامع عمومی پلیس را مسئول حفظ نظم و امنیت جامعه می شناسند و حتی در این رابطه تشکیلات قضایی نیز کمتر مورد توجه قرار دارند. همواره در مورد وقوع جرائم به ویژه زمانی که آمار جرائم افزایش می یابد یا وقوع جرمی جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد، نگاه ها به سوی پلیس است و به طور معمول کمتر به صورت جدی موضوع ارتباط مسائل، مشکلات و نابسامانی های اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و نظایر این ها را با نابهنجاری ها مد نظر قرار می دهند. البته طبیعی است، چون در تقسیم وظیفه بین سازمان ها، این وظیفه به نام پلیس ثبت شده است. این نکته نقش نیروی انتظامی کشور را در بر خورد با جرائم به خصوص پیشگیری از وقوع هر نوع خلافکاری بیشتر متجلی می سازد. پلیس باید کاملاً به این امر واقف باشد و به دور از مطالبی که عنوان شد با شناخت توقع و انتظارات مردم و مسئولان به طور عمیق به مسئولیت خود توجه نماید و به کاملترین و مطلوبترین شکل، آن را به انجام رساند. مسئولیتی خطیر و همه جانبه، نه فقط جرم و خلاف بلکه در همه ی ابعاد و امور جامعه. هر اندازه به این نکته بیشتر عنایت شود بین اقشار مختلف جامع محبوب تر خواهد بود. به هر شکل در سطح هر جامعه و به رغم حضور پلیس، جرائم و حوادث متنوعی واقع می شود. تدارک و تجهیز پلیس و پلیس بازدارنده از وقوع جرم باید منطبق با معیار های فنی و علمی باشد. هم چنین حضور پلیس در صحنه ی جامعه و احساس حضور او از سوی مردم یکی از ارکان علمی حفظ نظم و امنیت به شمار می آید. امروزه پلیس تلاش دارد با تمام توان مانعی برای وقوع جرم باشد و نقش خود را از این نظر به سطح بالایی برساند. ابتدا برخورد با کسانی که قصد ارتکاب جرم دارند و سپس پیگیری جرائم واقعه و تعقیب مجرمین، که این دو بخش مکمل هم اند و چنین روشی نشانه بارز توان مدیریتی و عملیاتی پلیس می باشد. لذا نبود مدیریت متمرکز در زمینه پیشگیری از جرم از مشکلات بنیادین پیشگیری از جرم در ایران به شمار می آید. از این رو، تاسیس نهادی ملی مانند شورای عالی پیشگیری از جرم یا برنامه ملی پیشگیری از جرم تا اندازه ای می تواند در کاهش میزان بزهکاری موثر باشد. هم چنین در قانون مجازات اسلامی ایران پیشگیری از جرایم مجرمین سابقه دار به طور مشخص مورد توجه قرار نگرفته است و نیازمند وضع قوانین صریح و روشن در این زمینه می باشد.



## بند اول: بازدارندگی به عنوان یکی از راه های پیشگیری از ارتکاب جرم

نوع نگاه به مجرمان و به تبع آن اهداف مجازات، در طول تاریخ دستخوش تحولاتی چند بوده است، به نحوی که به تناسب ترسیم تصویری خاص از شخص مرتکب جرم، شاهد رقم خوردن غایباتی چند برای مجازات‌ها بوده و هستیم، اهدافی که در طیف گسترده‌ی سزادهی و انتقام‌جویی، ارباب و بازدارندگی، اصلاح و بازپروری، ناتوان‌سازی و حذف مجرمان قرار دارند. لذا، بازدارندگی یکی از اهداف مجازات است، هدف تقلیل گرایانه‌ای که از دیرباز و در قالب یک نظریه‌توانمند و در بطن مدل تنبیهی و در چهارچوب کارکرد فایده‌مند کیفر تکوین یافته و با نگرستن به افق‌های پیش رو، اعمال مجازات را نه با هدف جبران گذشته‌ای تاریک و انتقام از مجرم - آن‌چنان که در رویکرد سزادهی (**Retribution**) مطرح است - بلکه با هدف ساختن آینده‌ای روشن لازم می‌انگارد، بدین‌سان سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه‌ی جرم است، یعنی استفاده از مجازات به عنوان بازدارنده‌ای که مانع تکرار جرم از سوی مجرم شده و نیز به شکل کلی انگیزه‌ی دیگران را برای ارتکاب همان جرم کاهش دهد (تیب، ۱۳۸۴، ص ۲۵۲)

بدین معنا که بازدارندگی در رویکردی هنجار محور خواستار تقویت ارزش‌هایی معین است و در همین راستا در یک بخش به مجازات متوسل شده و در بخش دیگر دست به دامان تهدید به مجازات متخلف است (فریدمن، ۱۳۸۶، ص ۱۶) قبل از آن که پیرامون نظریه بازدارندگی به ارائه‌ی توضیحات بیشتری پردازیم لازم است که تعریف بازدارندگی از بعد لغوی و اصطلاحی را بیان کنیم:

بازدارندگی از لحاظ لغوی برگرفته از مصدر بازداشتن و به معنای منع کردن و جلوی کسی یا چیزی یا کاری را گرفتن (عمید، ۱۳۶۳، ص ۲۷۱) می‌باشد و معادل آن در زبان انگلیسی، واژه (**Deterrence**) است که در معنای بازداشت، منع (آریان پور کاشانی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۶) و ایجاد تردید از طریق ترس و تهدید (حییم، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵) تعریف شده است. این مفهوم، در معنای اصطلاحی خود در عرصه جرم‌شناسی عبارت است از هراس برآمده از مجازات که سبب می‌گردد، مجرم بالفعلی که تحت مجازات واقع می‌شود و مجرمان بالقوه‌ای که شاهد اجرای آن نسبت به مرتکب هستند، از جرم دوری کنند، چرا که با سنجش بخردانه‌ی موقعیت، نتایج ناخوشایند حاصل از جرم را بر ثمرات مطلوب آن برتر می‌بینند. بدین‌سان بازدارندگی تأثیری است که بر اراده‌ی





اشخاص اعمال می‌شود و این عامل تأثیر گذار، گاه خود عمل مجازات و گاه تصور آن است، تصویری که با انتظار وقوع یک شر مشابه می‌شود (فریدمن، ۱۳۸۶، ص ۲۳)، و در همین راستا «بال» می‌نویسد: «بازدارندگی معمولاً به تأثیری پیشگیرنده که در نتیجه تحمیل مجازات بر مجرمان بالفعل موجب هراس آنان و مجرمان بالقوه می‌شود، اطلاق می‌گردد» (غلامی، ۱۳۸۲، ص ۹).

پس نتیجه آن خواهد بود که مجازات باید کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته، دیگر بار چه توسط خود مجرم و چه توسط سایر شهروندان، تکرار نشود (بولک، ۱۳۸۵، ص ۳۱) لذا منظور از نگاه فردگرایانه‌ی بازدارندگی خاص آن است که اعمال مجازات، بزهدکار را از ارتکاب جرم مجلد باز خواهد داشت و رویکرد جامعه محور بازدارندگی عام نیز در مورد مجرمان بالقوه، صورت می‌گیرد، چرا که این دسته از افراد از آن‌چه که در صورت ارتکاب جرم نصیبشان خواهد شد، مطلع می‌گردند (Hodson, 2003, p. 24). پس مبنای بازدارندگی عام، پیش‌بینی این نکته است که مجازات یک مجرم بر دیگران تأثیر خواهد گذاشت (فلچر، ۱۳۸۴، ص ۶۸).

به عبارتی در مسیر بازدارندگی، جامعه با مجازات کردن مجرم دستگیر شده به مجرم احتمالی هشدار می‌دهد که فکر ارتکاب جرم را از سر بدر کنند، چرا که همین سرنوشت در انتظار آنان نیز خواهد بود و این همان معنای بازدارندگی عمومی است، که محصول طلایی پیشگیری از جرم را با خود به ارمغان دارد، به علاوه خود مجرم نیز با تحمل مجازات متوجه خواهد شد که هرگاه در آینده باز هم مرتکب جرم شود، همین سرنوشت شوم و حتی شدیدتر از آن در انتظار اوست (محسنی، ۱۳۸۲، جلد اول، ص ۲۶) اکنون پس از شرح معانی و اقسام بازدارندگی شایسته است به صورتی خلاصه در ارتباط با نظریه‌ی بازدارندگی مجازات، مطالبی را بیان داریم:

### بند دوم: بررسی ماهیت نظریه بازدارندگی مجازات

این نظریه که به لحاظ تحقق نتیجه‌ی مطلوب کاهش جرم، «کاهش گرا یا تقلیل گرا» نیز عنوان یگیرد و ریشه‌ای بس کهن در اندیشه فلاسفه یونان-هم چون سقراط و افلاطون- دارد، برآمده از تفکرات اندیشمندانی نظیر فویر باخ، بکاریا و به ویژه بنتام است، هرچند که در طول تاریخ متفکران و حقوقدانان دیگری مانند ژان میبون، توماس هابز، جان لاک، دما، فیلاثریری نیز کم‌وبیش به بحث بازدارندگی مجازات‌ها توجه نشان داده‌اند (ر.ک، پرادل، ۱۳۸۱، صص ۲۷ تا ۳۶)، اما به‌رحال توگد



نظریه مزبور در قالبی تکامل یافته را باید از تراوشات ذهن روشن این سه تن و به طور خاص «جرمی بنتام» انگلیسی دانست.

این نظریه که در لوای مکتب کلاسیک پدید آمده و بنابراین اعتقادی راسخ به وجود آزادی اراده در افراد داشته و حکمرانی عقل و منطق و حسابدگری را بر آدمیان می‌پذیرد، مجرمان را برخوردار از کمال مسوولیت قلمداد می‌نماید و کیفر را بر بنیاد تهدید استوار می‌سازد، به طوری که فویر باخ می‌گوید: «هر گاه کسی به رغم تهدید، مرتکب جرمی شد باید کیفر ببیند زیرا مجرم پیش از ارتکاب جرم از آن آگاه بوده است» (شیری، ۱۳۸۵، ب، ص ۱۵۸)، بنابراین، در این دیدگاه تهدید به مجازات یک واقعیت درک شدنی و لمس‌پذیر است. (تبیست، ۱۳۸۴، ص ۱۶). و از طرفی در این رویکرد، جامعه حق تنبیه مجرمان را داراست، زیرا مجازات برای دفاع از نظم اجتماعی سودمند و ضروری است (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۴۷)

این چنین است که در این دیدگاه بزهکاری عمدتاً به چشم برگزیدن گزینه‌ی نادرست نقض قانون نگریسته می‌شود، این دیدگاه هم‌چنین به وجود قابلیت‌های همسان تعقل در میان افراد اعتقاد داشته و محافظت عملی از قرارداد اجتماعی را به به کار بستن مجازات‌ها ممکن می‌داند، مجازات‌هایی که با تکیه بر اصل لذت-رنج اعمال می‌شوند، اصلی که براساس آن میزان محکومیت باید بیشتر از هرنوع لذتی باشد که ممکن است از جرم حاصل آید (وایت و هینز، ۱۳۸۳، صص ۸۵ و ۸۶) لذا مطابق این نظریه که سلطنت دو خداوندگار لذت و الم بر رفتار تمامی افراد و سکان‌داری فایده‌جویی در اعمال آن‌ها امری انکارپذیر است (کاپلستون، ۱۳۸۲، ص ۲۴)، مجرمان به سنجش سود و زیان می‌پردازند و در صورت سنگینی کفهی سود بر زیان، مقاصد مجرمانه‌ی خویش را عملی می‌کنند، و بدین سان اعمال مجازات به منظور تأمین سنگینی کفهی زیان عمل مجرمانه صورت می‌گیرد. بدین ترتیب بنتام با طرح روشن مفهوم سودمندی در قالب نهضت اصالت فایده **Utilitarian (Movement)** و در چهارچوب مکتب فایده اجتماعی، خواستار بهره‌جویی از روحیه‌ی اقتصاد مآبانه‌ی مرتکبان جرم است و به همین دلیل متمایل به فزونی رنج حاصله در قیاس با سود برآمده از جرم می‌باشد، تا با توسل به اصل حسابدگری جزایی، موجبات زیان بیشتر مجرم و در نهایت کاهش نرخ جرم را فراهم آورد. در این رهگذر بکار یا نیز که پیشگیری از جرم را مهم‌تر از خود مجازات دانسته (وایت و هینز، ۱۳۸۳، ص ۸۸) و آگاهی تمامی افراد از قوانین را یک ضرورت مهم می‌انگارد، به اثر اربابی کیفرها در پیشگیری



از جرایم اطمینان دارد (بکاریا، ۱۳۸، ص ۱۶) و در همین راستا، بر اهرم افزایش جنبه‌ی زیان بار جرم در مسیر مقابله با بزهکاری ایمان دارد. به همین سبب است که این نظریه به صفات شدت، حتمیت، قطعیت و سرعت اجرای مجازات دلبستگی فراوان دارد، چرا که این عوامل در پی زیان بار ساختن بزه، اسباب ترسیم کننده‌ی تصویر ارعابی مجازات‌ها هستند، تصویری که جایگاهی برجسته در پیشگیری از جرایم دارد..

## بخش چهارم: نقش پلیس در پیشگیری از جرائم

### بند اول: نقش پلیس در پیشگیری از وقوع جرم

هر نقش اجتماعی با توجه به عرف سنتها - عقاید - رفتارها و نیازهای اجتماعی شکل می‌گیرد. نقش پلیس نیز به همین اساس شکل گرفته و البته ویژگی نظامندی و سازماندهی بدان افزوده است. پلیس به حکم وظیفه خود امر جلوگیری از ارتکاب جرایم، دستگیری مجرمان جلوگیری از امحای آثار جرم و حمایت‌های مقدماتی از بزه دیدگان را بر عهده دارد. اقدامات این ارگان بیشتر جنبه فیزیکی و محسوس دارد و سالهاست که مردم با وظایف و نحوه فعالیت آن خو گرفته اند. پلیس سازمان امنیتی - انتظامی است که در تمام کشورها از جمله وظیفه پیشگیری از جرایم را بر عهده دارد و بیشتر اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط می باشد. به همین دلیل نوع برخورد پلیس با مردم در شکل گیری طرز تلقی صحیح یا اشتباه از نظام امنیت شهری واجد اهمیت سیاسی است. اعضای پلیس افراد آموزش دیده و ورزیده ای هستند که پیشگیری از جرایم می نمایند. در مقام وظایف پلیس اقدامات زیر را انجام می دهد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در پیشگیری از جرایم مؤثر است. حمایت از بزه دیدگان بالقوه جرایم، ایجاد احساس امنیت عمومی از طریق حضور در سطح شهر و اماکنی که احتمال وقوع جرم در آن وجود دارد. دریافت گزارشهایی راجع به ارتکاب یا احتمال ارتکاب جرایم، حضور در صحنه های جرم یا محتمل به بزهکاری ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی به شهروندان در زمینه های امنیتی و پیشگیری از جرایم ارائه برنامه ها و طرحهای امن سازی محله ها و محیطهای خاص شهری در مقابل مجرمان حرفه ایی ارائه پیشنهادات علمی و سازنده برای اصلاح ساختارهای جرم خیز و تصویب قوانین متناسب به مقامات ذیصلاح، تهیه آمار جرایم اعم از شروع به جرم، جرایم تام، عقیم و محال به تقکیک جرایم علیه اشخاص اموال و امنیت. البته در کشورهای مختلف اختیارات پلیس دارای محدودیتهای معین و گسترده تر از نهاد مشابه آن در



سایر کشورها می باشد. همین امر منجر به آن شده تا تفاسیر متعددی از مفهوم پلیس ارائه شده و گاه بتوان آن را به مفهوم مجموعه سازمانی مقابله و مبارزه با جرایم محسوب داشت که در این صورت شامل سازمان قضایی و دادگستری نیز خواهد بود. در کشورمان در تفسیر محدود پلیس در برگیرنده ماموران نیروی انتظامی است که حدود اختیارات و وظایف آن در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۷ تیر ۱۳۶۹ و برخی از قوانین و مقررات دیگر ذکر شده است بنابراین نمی توان معتقد گردید که پلیس تنها مجری امر پیشگیری در کشورمان به شمار آید از بعد تطبیقی در انگلیس امر پیشگیری از جرم را پلیس بر عهده دارد و در سوئد سازمان مستقلی متولی این امر است. در بلژیک مدیریت پیشگیری را وزارت دادگستری و پلیس به طور مشترک عهده دار هستند. اگر چه پلیس به موجب قانون امر پیشگیری از جرم را بر عهده دارد اما ایرادهایی از حیث ساختاری و اجرایی بر این ارگان وارد شده که نمی توان آنها را انکار کرد.

اولاً. سازمانهایی همچون پلیس و سایر ارگانهای حفاظت اجتماعی که از بودجه عمومی تغذیه شده و به موجب قانون صلاحیت و اقتدار لازم را برای کنترل جرایم دارا هستند خود باید تحت کنترل و بازرسی منظم باشند. این کنترل بندرت انجام می شود و اگر صورت گیرد بدقت انجام نمی شود.

ثانیاً: وظیفه امنیت و جلوگیری از ارتکاب جرایم امروزه بیشتر فدای تعهد به رسیدگی به شکایات و اجرای مجازات شده که به اندازه کافی وقت و بودجه سازمانهای انتظامی را به خود اختصاص دهد. بنابراین می توان معتقد گردید که باید نظام کنترل مقداری انفکاک بیشتری از نظام دادرسی داشته باشد. البته ایده اخیری با این ایراد عمده روبروست که تنها با حضور در صحنه و درک واقعیتهای جرایم محقق می توان راهکارهای عملیاتی و قابل اجراء در کنترل جرایم داد. لازم به توضیح است آن هنگام که در دیدگاه بازدارندگی از مقولهی شدت مجازات سخن می گوئیم، به هیچ عنوان سخن بر سر مجازاتهای شدید غیر انسانی و به دور از عدل و ضابطه نیست، به طوری که خود بکاربای، یکی از طرفداران ملایمت کیفرها بوده و به عنوان نخستین شخصی که در باب الغای مجازات اعدام قلم فرسایی کرده است (بکاریا، ۱۳۸، ص ۷)، جز در شرایط استثنایی مجازات مرگ را نمی پذیرد، نکته ای که در افکار بنام نیز به چشم می آید و بدین سان با سنت دیرینهی شکنجه های زجرآور و مجازاتهای وحشتناک و انتقام که جز طبیعی بیشتر نظامهای کیفری بوده است (روت، ۱۳۸۵، ص ۲۴)، به شدت مخالفت می شود. اما با تمامی این اوصاف اینان در موقعیتی که



رنج آور ساختن بزه و کاستن از لذات آن را تنها با شدت کیفر محقق می‌بینند، از این اهرم به نحوی عاقلانه و در حد لازم برای ایجاد تأثیر مطلوب بهره برده و حسب مورد به مجازات‌های رسواکننده و تحقیرگر نیز متوسل می‌شوند، به طوری که بنتام تا حدودی بر هولناک بودن و درعین حال مردمی بودن کیفرها اصرار دارد، هرچند که در این وضعیت نیز به علت شر و فتنه دانستن کیفر (ظفری، ۱۳۷۷، ص ۸۵) خواهان کاربرد تکنولوژی ظواهر بوده و متمایل به فزونی رنج ظاهری کیفر در اذهان مردم بر رنج واقعی تحمیلی بر پیکر بزهکار است (پرادل، ۱۳۸۱، ص ۶۳)، رنج ظاهری که سبب برانگیختن حس و اهمه در افکار عمومی و خشکاندن ریشه‌ی تمایلات مجرمانه می‌شود، چرا که در باور ایشان انواع مجازات‌ها و شیوه‌های اجرای آن‌ها باید کاری‌ترین اثر را در ذهن مردمان و کم‌ترین اثر درد را بر جسم بزهکار به جای گذارد، زیرا به اعتقاد این اندیشمندان، قوای حسّی انسان‌ها از تأثیرات ضعیف ولی پیاپی بیش از برخوردارهای شدید ولی زودگذر متأثر می‌شود، زیرا وقتی مجازات، ملایم ولی مداوم باشد، احساس غالب، همان ترس است (بکاریا، ۱۳۸۱، صص ۷۲ و ۷۳). خلاصه آن که نظریه‌ی بازدارندگی که اقبال بسیاری به کیفر سالب آزادی دارد، بر این باور است که آن هنگام که می‌توان به وسیله‌ی کیفرهای خفیف به هدف ارعاب‌انگیزی نایل شد، باید از هرگونه کیفر شدیدی تبری جست (پرادل، ۱۳۸۱، ص ۵۹)

### بند دوم: حتمیت و قطعیت مجازات

از دید رویکرد بازدارندگی مجازات، آن‌چه ضامن نقش پیشگیرانه‌ی کیفرهاست، همانا حتمیت و قطعیت یا به عبارتی اطمینان جامعه از اجرای مجازات‌هاست، یعنی باور به این مطلب که احساس ترس از ارتکاب جرم را می‌توان با حتمی جلوه دادن مجازات، بیش از برپا کردن نمایش‌های مخوف ولی زودگذر در اذهان مردم برانگیخت (اردبیلی، ۱۳۸۶، ص ۳۹) به طوری که بکاریا با پیروی از اندیشه موتسکیو در روح القوانین می‌نویسد: «این شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می‌کند، بلکه حتمی و قطعی بودن مجازات است که می‌تواند از جرم‌های آینده جلوگیری کند» (موتسکیو، ۱۳۷، ص ۲۹۶) و در همین رهگذر وی به مخالفت جدی با نهاد عفو پرداخته و الغای آن را عاملی بس تأثیرگذار در رنج آور ساختن مجازات می‌داند، در همین راستا بنتام نیز با گسترش دیالکتیک «امنیت - حتمیت» پیشگیری از جرایم را در گروهی افزایش درجه حتمی بودن مجازات‌ها می‌داند (پرادل، ۱۳۸۱، ص ۶۲) و به همین خاطر است که بکاریا به دنبال عدم اعتماد به قضات، اعتقاد به تعیین



مجازات‌های ثابت و یکسان دارد (وایت و هینز، ۱۳۸۳، ص ۸۹) چرا که وی نظام مجازات‌های ثابت را اکسیری بازدارنده می‌داند، یعنی بر این باور است که مجازات باید با جرم و نه با فرد تناسب داشته باشد (والک لیت، ۱۳۸۶، ص ۳۷) هرچند که بعدها بنتام به مخالفت با مقوله‌ی ثبات مجازات‌ها پرداخته و رویه‌ی فردی ساختن کیفرها را در پیش گرفته است (پرادل، ۱۳۸۱، ص ۶۴) رویه‌ای که به عنوان سنگ بنای یک سیاست جنایی موثر، دارای دیدی همه جانبه نسبت به مجرم و لحاظ شرایط و میزان مسوولیت و خطر وی می‌باشد، چرا که در واقع مبتنی کردن یک نظام بر آزادی اراده، به معنای برابری درجه مسوولیت اخلاقی افراد با یکدیگر نیست (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۴۷)

### بند سوم: سرعت اجرای مجازات

طبق نظریه‌ی بازدارندگی در صورتی که خواهان کاربرد کیفر به عنوان مانعی موثر در برابر آماج جرم باشیم، اعمال این نهاد کیفری باید با وقوع جرم چندان فاصله‌ای از نظر زمانی نداشته باشد، زیرا در غیر این صورت تصور لازم میان جرم و کیفر در اذهان به سستی گرائیده (بکاریا، ۱۳۸، ص ۱۷) و پیوند و ارتباط میان آن دو قابل درک و لمس نخواهد بود، لذا اطلاع‌ی فرآیند دادرسی که موجبات وقفه میان جرم و مجازات را فراهم می‌آورد، نه تنها نقش ارعابی کیفرها را از میان می‌برد، بلکه خود، مشوق بزهکاری است.

اکنون که نسبت به ماهیت نظریه بازدارندگی مجازات شناخت پیدا نمودیم، با معرفی مقوله‌ی پیشگیری به عنوان ثمره‌ی کاربردی بازدارندگی، به شرح تدابیر پیشگیرانه می‌پردازیم:

۱. مفهوم پیشگیری: واژه‌ی پیشگیری که معادل انگلیسی آن **(Prevention)** است، در لغت به معنای جلوگیری کردن، ممانعت نمودن، و اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از رخدادهای بد و ناخواسته است (معین، ۱۳۶۲، ص ۳۹۵). هرچند به تعداد صاحب نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی از پیشگیری ارائه شده است، اما به طور خلاصه می‌توان گفت که پیشگیری عبارت است از به جلوی تبهکاری و ناهنجاری رفتن به منظور ممانعت از وقوع جرم (گسن، ۱۳۷، ص ۶۷) بدین سان در اصطلاح جرم‌شناسی، پیشگیری شامل اقداماتی است که در قالب شناسایی و ارزیابی خطر جرم و اتخاذ راهکارهای لازم برای جلوگیری از وقوع آن صورت پذیرفته (شیری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷) و هدف آن کاهش نرخ بزهکاری است. به هر حال بحث پیشگیری از جرم را آن دسته از حقوقدانانی پیش کشیدند، که نظام کیفری را برای کاهش اثرات بزه، کافی نمی‌دانستند و به عنوان نمونه یکی از نخستین





پیشگامان این وادی، جرمی بنتام است، به نحوی که وی در جستجوی راه حلی مناسب برای محو جرایم به ابزارهای مکمل اندیشیده و بر نقش آموزش و پرورش و مذهب و دولت در کنار اهرم اعمال کیفر و بهره‌گیری از تأثیرات پیشگیرانه‌ی آن تأکید نموده است (پردال، ۱۳۸۱، صص ۶۴، ۶۵). هرچند که با وجود این، مقام افتخارآمیز طراحی نهاد پیشگیری از جرم و ناهنجارهای اجتماعی را باید از آن انریکوفری دانست، نهادی که وی آن را «جانشین‌های کیفری» خوانده است (بکاریا، ۱۳۸۱، ص ۱۵). مقوله‌ای که با گذشت زمان به حدی گسترش یافته که امروزه شاخه‌ای تحت عنوان جرم‌شناسی پیشگیری به ظهور رسیده است (فدایی شهری، ۱۳۸۵، ص ۶).

شایان ذکر است که هنگام سخن از پیشگیری، مقصودمان بهره‌گیری از مفهوم موسع آن است، یعنی طیف وسیعی از تدابیر کیفری و غیر کیفری که در جهت خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری صورت می‌گیرد (معظمی، ۱۳۸۶، ص ۹۳). اعم از واکنش‌های جامعه علیه جرم از قبیل مجازات، اقدامات تأمینی و تربیتی، جبران زیان‌های بزه‌دیده، بازپروری مجرمان و هم‌چنین کنش‌های اجتماعی که قبل از وقوع جرایم به منظور خنثی‌سازی عوامل جرم‌زای خانوادگی، فردی و محیطی انجام می‌شود. بنابراین، پیشگیری در بردارنده‌ی شیوه‌های متعدد کیفری و غیر کیفری است، هرچند که برخی از اندیشمندان صرفاً به مفهوم مضیق پیشگیری یعنی راهبردهای پیشگیری غیر کیفری (کنشی) باور داشته و ممانعت‌های واکنشی از سوی جامعه را از حیطه‌ی نهاد پیشگیری خارج می‌انگارند، که از جمله این جرم‌شناسان، استاد گسن است که پیشگیری را مجموعه تدابیر سیاست جنائی به استثنای تدابیر مداخله‌گر نظام کیفری تعریف می‌کند (گسن، ۱۳۷۰، ص ۶۸) ولی ما با به رسمیت شناختن هر دو قسم از پیشگیری به تعریف آن‌ها می‌پردازیم:

پیشگیری غیر کیفری (کنشی یا پیشین) عبارت است از اقدام مناسب غیر کیفری که قبل از وقوع پدیده مجرمانه از طریق کاهش یا حذف و خنثی‌سازی علل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب، در صدد جلوگیری از رخ دادن بزه می‌باشد و در دو حیطه پیشگیری اجتماعی (جامعه‌مدار و رشد مدار) و پیشگیری وضعی (شیری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۸، ۱۹) و در دسته‌بندی دیگر در دو حوزه‌ی پیشگیری ابتدائی (توجه به شرایط جرم‌زا) و پیشگیری ثانویه (توجه به گروه‌های در معرض خطر بزهکاری) مطرح است (معظمی، ۱۳۸۶، ص ۹۳).

اما پیشگیری کیفری (واکنشی یا پسینی) ناظر به اقدامات کیفری قبل و بعد از وقوع جرم بوده که با بهره جستن از سازوکارهای نظام عدالت کیفری درصدد کاهش بزهکاری است، بدین معنا که تدبیر پیشگیرانه از جرم در بعد کیفری که در جوامع کنونی خود را به عنوان یکی از ابزارهای طلایی سیاست جنائی در سطوح مختلف قانونی، قضائی، اجرایی و پلیسی شناسانده است، در بخشی از خویش از مجرای اعمال ضمانت اجراهای کیفری بر مرتکبان اعمال مجرمانه و متعاقب آن نشان دادن بذل ارباب در دل مجرمان بالقوه و بالفعل و در بخشی دیگر از طریق اصلاح و بازپروری بزهکاران حین تحمّل مجازات محقق می‌گردد، هرچند که آنچه مورد مطالعه‌ی ما در این مقاله است، صرفاً بهره‌جویی از اهرم ارعابی کیفرها است.

۲- پیشگیری کیفری، ابزارها و روش‌ها: مجازات مجرم مرید و مختار، نمودی از واکنش اجتماعی فایده‌گر است که با هدف پیشگیری کیفری از جرم صورت می‌گیرد. البته این پیشگیری کیفری، به سادگی میسر نشده و در گروهی حسن توجه به ظرافت‌های خاصی است، ظرافت‌هایی که به ویژه ملاحظه‌شان از سوی نهادهای قانون‌گذاری و قضائی امری ضروری است، بدین معنا که قطعات گم شده پازل بازدارنده‌ی کیفرها را باید در مجالس قانون‌گذاری و شعبات قضایی جستجو کرد. بدین وصف عدم کاهش میزان جرایم به رغم اعمال کیفرها نباید تاثیرات پیشگیرانه‌ی ضمانت اجراهای کیفری را زیر سوال برد، زیرا عدم کاربرد صحیح یک نظریه و فراهم‌نیارودن امکانات ثمربخشی آن در عرصه عمل، هرگز به معنای ناکارآمدی نظریه‌ی مزبور نیست.

یکی از شدیدترین کیفرهایی که از دیرباز در مجموعه قوانین جزایی پیش شده‌و به واقع ابزار مشترک تنبیه در سراسر تاریخ بوده و هست و مورد تأیید اندیشمندان بزرگی هم چون ژان ژاک روسو و مونتسکیو نیز واقع شده است، همانا مجازات اعدام نسبت به مجرمانی است که مهم‌ترین جرایم را مرتکب شده و به یقین قابل اصلاح نخواهند بود، مجازاتی که با ماهیت تردیلی و ترهیبی به طرد ابدی مجرم می‌انجامد و در اغلب موارد با این هدف به کار می‌رود که با کشتن مرتکب، دیگر شاهد تکرار آن رفتار بزهکارانه نباشیم (روت، ۱۳۸۵، ص ۲۴)، لذا طبق تعبیری، کسی را که اعدام می‌کنند، اصلاح نمی‌کنند بلکه با اعدام وی دیگران را اصلاح می‌کنند. هرچند که در سالیان اخیر، بسیاری از قانون‌گذاران در پی اعتقاد به عدم خاصیت بازدارندگی مجازات اعدام و در مقابل انتساب صفات ضدحقوقی بشری به آن و در راستای احترام به حیات و کرامت انسانی، اقدام به حذف



آن از زرادخانه‌های کیفری خویش کرده‌اند، چرا که بر این باورند که خصلت ارعابی مجازات اعدام صرفاً در کوتاه مدت مؤثر است، زیرا سلطه‌ی عادت که بر سرپای انسان سایه گسترانیده، سبب می‌شود تا قوای حسی ما از تأثیرات ضعیف ولی پیاپی، پایدارتر از برخوردهای خشن ولی زودگذر متأثر شود (بکاریا، ۱۳۸، ص ۷۲)، لذا به دنبال قطع رشته حیات مجرم نه تنها مجازات مزبور نسبت به وی هیچ گونه خاصیت ارعابی ندارد، بلکه به دلیل از بین بردن احترام جامعه نسبت به حیات فردی، با عادی و مباح جلوه دادن امر «کشتن» در نزد افراد اجتماع مشوق بزهکاری است (صلاحی، ۱۳۸۶، ص ۹۲) ولی با وجود این و به رغم الغای مجازات مرگ در بسیاری از کشورها، در برخی دیگر از کشورها هم چون ایران، عربستان، چین، آمریکا مقنن یا باور راسخ به مزیت هراس‌انگیز این نوع مجازات، همچنان به مقوله‌ی «اعدام درمانی» اقبال فراوان دارد، اقبالی که با عبارت کلیشه‌ای «اجرای این حکم مایه‌ی عبرت دیگران خواهد بود»، در هر حکم اعدام متجلی می‌شود. زیرا اینان معتقدند که اغلب مردم، حتی خود جنایتکاران از مرگ می‌هراسند، به خصوص هنگامی که مرگ با حتمیت قابل ملاحظه‌ای روی دهد، به طوری که دیوید هیوم معتقد است که «هیچ انسانی به آن زندگی که ارزش زیستن داشته باشد، خاتمه نداده است، زیرا هراس غریزی آدمیان از مرگ بسیار است»، لذا مقاومت تبه‌کاران برای دستگیری، خود نشانه‌ای است. از آن که جنایتکاران از مجازات اعدام می‌هراسند، و در همین راستا، گری بکر بر این باور است که «هرچند سلب حیات از هر انسانی، بسیار ناراحت کننده است، اما گاهی اقداماتی که شدیداً ناخوشایند هستند، برای پیشگیری از رفتارهای ناخوشایندتر، ضرورت می‌یابند. از سویی دیگر نباید از یاد برد که هرچند ممکن است افرادی با وجود اعدام دیگران پند نگیرند، اما در مقابل تعداد کسانی که بر اثر اعدام مجرمان، از بزهکاری روی گردان شده‌اند، نیز فراوان است. لذا در یک جمع‌بندی کلی، با رقم زدن تأثیری بازدارنده برای مجازات مرگ، بایستی به محدودسازی بهره‌جویی از آن اقدام کرد، محدودسازی که اعمال این مجازات را صرفاً به مجرمان جنایات بزرگ هم چون قتل‌های عمدی و اقدام علیه امنیت کشور منحصر می‌کند، موضوعی که از طرف بسیاری از کیفرشناسان و جرم‌شناسان نیز مورد توجه قرار گرفته است (صلاحی، ۱۳۸۶، ص ۹۳) به‌هرحال، اهمیت بهره‌برداری از زبان اعدام برای گویشی عبرت‌آموز در طول تاریخ تا بدان جا بوده که حتی بکاریا که خود از سردمداران مخالفت با مجازات اعدام است، همگام با بتنام، مجازات مزبور را در شرایطی که تنها مانع نیرومند در زمینه منصرف نمودن سایرین از ارتکاب جرایم است، ضروری



می‌شمارد (بکاریا، ۱۳۸، ص ۷۱) بدین معنا که وی در گام نهایی و حین ناامیدی از ثمربخشی پیشگیرانه‌ی سایر کیفرها توسل به اعدام را می‌پذیرد. لذا تنها استفاده‌ی مناسب از شمشیر دولبه‌ی اعدام به توسط مقنن روشن‌بین و محدود کردن آن به تعداد اندکی از اعمال مجرمانه بسیار شدید، هرچند به علت حذف همیشگی فرد مرتکب از صحنه‌ی زندگی، امکانی برای بازسازی او و بازدارندگی خاص باقی نمی‌گذارد، اما با رهایی جامعه از خطرات بالقوه بزهکار، گامی در جهت پیشگیری که البته منوط به آن است که از تکرار و گسترش این کیفر پرهیز گردد، زیرا این امر علاوه بر برانگیختن انتقادات بشردوستانه و ترویج فرهنگ مرگ‌خواهی، انهدام و خشونت در جامعه، سبب تضعیف اثر ترس و عبرت‌آموزی اعدام نیز می‌شود. حبس ابد یا حبس‌های طولانی‌مدت که در مورد بزهکارانی که مرتکب جرایم سنگین شده‌اند و نیز در مجرمان مکرر، اجتناب‌ناپذیر است (بولک، ۱۳۸۵، ص ۶۳) یکی دیگر از مجازات‌های شدید است که با سلب دائمی یا بلندمدت آزادی از مجرم و به تبع آن سلب توان بزهکاری از او، تأمین‌کننده‌ی دفاع اجتماعی است (غلامی، ۱۳۸۲، ص ۵۷). بنابراین، اجرای این کیفر بر مرتکب با واداشتن سایرین به این اندیشه که چنان‌چه من هم مرتکب چنین رفتاری شوم، تا سال‌ها به وضعی به همان اندازه اندوه‌بار تنزل پیدا می‌کنم، در پیشگیری از جرم تأثیر فراوان دارد، تأثیری که از دید بکاریا با ایجاد یک نمونه‌ی مستمر انسان محروم از آزادی، به صورتی پیاپی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار داده و ملکه اذهان می‌شود. (بکاریا، ۱۳۸، صص ۷۲ و ۷۳)

هرچند که تأثیر پیش‌گفته را تنها باید از آن حبس‌های بلندمدت دانست، زیرا حبس‌های کوتاه‌مدت که مصایب آن بیشتر از مزایای آن است (بولک، ۱۳۸۵، ص ۶۳) تاکنون نتوانسته تأثیرات خود را به ویژه در حیطه‌ی بازدارندگی خاص ایفا نماید، به طوری که متأسفانه براساس مطالعات صورت گرفته، تعداد کثیری از محکومان حبس، پس از خروج از زندان، دچار تکرار جرم شده و بار دیگر به فرایند کیفری باز می‌گردند، نکته‌ای که با زیر سوال بردن جایگاه بازدارندگی حبس‌های کوتاه‌مدت، مقنن را به کاهش بهره‌جویی از این نوع مجازات فرا می‌خواند. گذشته از لزوم توجه مقنن به چگونگی بهره‌جویی از نهاد شدت مجازات و عدم استفاده از مجازات‌های غیر بازدارنده، از دیگر عواملی که یاری‌گر قانونگذاران در نیل به غایت پیشگیرانه‌ی کیفرهاست، شدت برخورد با مجرمان مکرر است، به طوری که در تنظیم سیاست مقابله با تکرار جرم، قانون‌گذاران ایران در دوره‌های





مختلف تحت تأثیر اندیشه‌ی بازدارندگی قرار داشته و بر این اساس تلاش نموده‌اند تا با اتخاذ معیارهایی مختلف در مقابل تکرار کنندگان جرم شدت عمل نشان دهند، سیاست شدت عملی که در قالب افزایش مجازات‌ها بروز کرده است (غلامی، ۱۳۸۲، صص ۸۳ و ۸۴)، چرا که ارتکاب مجدد جرم، نشان از آن دارد که مجازات اولیه و شدت آن به لحاظ عدم برابری با سود بزه، قادر به مرعوب ساختن مرتکب نبوده است، لذا طبق نظریه بازدارندگی، شدت برخورد با چنین مجرمانی به منظور حرکت در جاده پیشگیری امری ضروری است. تناسب مجازات‌های مقرر با جرایم مربوط و نیز تفاوت مابین مجازات جرایم سبک و سنگین در راستای سیاست جنائی افتراقی، یکی دیگر از لوازم کار قانونی برای بازدارنده گردانیدن مجازات‌هاست، بدین معنا که همان‌گونه که بنام عنوان کرده است، شدت کیفر باید به میزانی باشد که مجرم را از منافع حاصل از ارتکاب جرم روی گردان نماید، لذا مابین منافع عمل مجرمانه و مجازات تعیینی برای آن عمل، بایستی تناسب برقرار باشد از طرف دیگر سیاست جنائی افتراقی حکم می‌کند که از تساوی مجازات در بین جرایمی که از شدت و ضعف برخوردار بوده و میزان سود متفاوتی را نصیب مرتکبان‌شان می‌کنند، پرهیز شود، زیرا این امر، گشاینده‌ی دروازه ارتکاب جرایم شدیدتر است، چرا که با این شرایط، ارتکاب جرم سنگین‌تر تفاوتی در وضعیت مرتکب و زیان متوجه او ایجاد نمی‌نماید، نکته‌ی ظریفی که توجه بیش از پیش مقنن را می‌طلبد. از سوی دیگر، رفع ضعف و کاستی قوانین نیز در پیشگیری از جرم، جایگاه ارزشمندی دارد. به عنوان نمونه یکی از جرایمی که در کشور ما با وجود ضرر رسانی به اقتصاد، از خلأ قانونی رنج می‌برد، قاچاق کالا است. خلأ قانونی که با تجویز مجازاتی نسبتاً سبک و برقراری زبانی کمتر از سود حاصل از قاچاق، توان مبارزه کارآمد با این بزه را ندارد (رضائی، ۱۳۸۷)

از دیگر زمینه‌هایی که ضعف قوانین در آن مشهود است، معضل قتل‌های ناموسی است که از مشکلات جامعه‌ی امروز ایران است، چرا که در این بین موادی از قانون به کمک می‌آیند، تا کسانی که مرتکب چنین قتل‌هایی می‌شوند از مجازاتی سنگین‌رهایی یابند، به عنوان نمونه ماده‌ی ۶۳. ق.م.ا، آشکارا مستعد بسترسازی قتل‌های ناموسی است و یا ماده‌ی ۲۲. ق.م.ا در بسیاری از مواد هموارکننده مسیر قتل فرزندان-به ویژه دختران-به صرف کوچک‌ترین سوء ظنی است. نکته دیگر آن‌که، مقبولیت عمومی اعمال مورد جرم‌انگاری و هم‌چنین مردمی بودن مجازات‌ها، نیز تأثیراتی شگرف در مسیر تحقق نظریه بازدارندگی دارند، بدین معنا که مقنن در حین تنظیم مواد قانونی و

معرفی جرایم و مجازات‌ها بایستی با لحاظ افکار عمومی اقدامات خود را جهت دهد، لذا نهادن نام جرم بر اعمالی که تجسم حقوق فردی مردم بوده، با پایان ناپذیر نمودن فهرست ممنوعیت‌ها و تولید بیش از حد قوانین نه تنها در کاهش نرخ جرایم موثر نبوده، بلکه خود موجب بزهکاری است، بنابراین برای کاهش جرایم باید از میزان قوانین و محدودیت‌هایی که بر آزادی برچسب مجرمانه می‌زنند، کاست و موتور تولید جرم را از رشد بی‌رویه بازداشت (فلان‌کان، ۱۳۸۴، صص ۱۶۱ تا ۱۶۵)، نکته‌ای که متأسفانه با وجود حدود ۲... عنوان جرم تعریف شده در مجموعه قوانین کشورمان نادیده گرفته شده است، چرا که تورم جرم‌انگاری و اطلاق عنوان مجرمانه بر اعمالی که از دید جامعه به هیچ روی بزهکارانه تلقی نمی‌گردند، سبب تضعیف اعتبار جرم‌انگاری اعمال واقعا مجرمانه در ذهن اجتماع است، امری که با کاهش بار ارعایی مجازات‌ها، سبب عدم تمایل مردم به یاری‌رسانی در کشف جرایم شده و مجازات مرتکبان چنین اعمالی را نیز ناعادلانه جلوه می‌دهد، مسأله‌ای که متعاقب سیاست تنظیم مجازات‌های بیش از حد خشن از نظر عموم نیز رخ می‌دهد. بدین سان، جرم‌انگاری‌های غیر کارشناسانه، گشاینده دروازه بزهکاری در برابر کسانی است که بی‌جهت به لحاظ اقدام به اعمالی که در واقع امر، غیر مجرمانه هستند، برچسب مجرمانه دریافت نموده و منحرف قلمداد گردیده‌اند (والک لیت، ۱۳۸۶، ص ۴۸) و این موضوعی است که در تقابل با هدف پیشگیری است. از این رو استفاده‌ی مناسب از نهاد جرم‌زدایی در معنای زوال عنوان مجرمانه‌ی عمل و سلب صلاحیت اعمال ضمانت اجرا نیست به شکل خاصی از رفتار از نظام کیفری (شورای اروپا، ۱۳۸۴، ص ۱)، کمکی شایان در پیشگیری از جرایم دارد. از سویی دیگر نباید از این نکته غافل بود که وضع قانونی که به علت قرارگیری در مسیر خلاف افکار جامعه و تحولات روز، مورد التفات قرار نمی‌گیرد، آسیب‌برانگیزتر از عدم جرم‌انگاری یک عمل است، زیرا این چنین، ارزش عمل قانون‌گذار در نگاهی کلی مورد خدشه قرار گرفته و اثر بازدارندگی سایر مجازات‌ها را نیز مانع می‌گردد. بهره‌گیری از نظام مجازات‌های شناور به معنای تعیین حد اقل و حد اکثر برای مجازات‌ها و هم‌چنین استفاده از چند مجازات به صورت تخییری در مورد یک جرم با کمک به مقوله‌ی فردی کردن کیفرها، گامی موثر در تأمین هدف پیشگیرانه مجازات‌هاست، چرا که افراد مختلف به لحاظ برخورداری از ویژگی‌های متفاوت فردی، اجتماعی، مادی و معنوی از انواع مجازات‌ها به گونه‌هایی متفاوت تأثیر می‌پذیرند، لذا مجازاتی همچون جزای نقدی که برای اقشار فرودست جامعه بازدارنده



است، هرگز نسبت به متممکن و طبقات بالادست اجتماع چنین کارکردی را دارا نیست (شیری، ۱۳۸۵، ب، ص ۱۶۱). بدین ترتیب مقنن در جهت پیشگیرانه نمودن کیفرها نسبت به همگان، نباید تنها به یک مجازات محدود باشد، امری که فرای تخطی از اصول عدالت، سبب انحصار تأثیرات ارعابی کیفرها به قشری معین از جامعه می‌شود. نکته‌ای دیگر که از مقتضیات مسلم در زمینه‌ی پیشگیری کیفری است، همانا تصویب قوانین نوین و متناسب با نیازهای جامعه و انواع جدید بزهکاری است، بدین معنا که مقنن تیزبین بایستی گام به گام با مجرمان پیش رفته و در هر مرحله واکنشی مناسب در قبال کنش‌های مجرمانه آنان از خود نشان دهد، زیرا تأخیر، بین پیدایش گونه‌های نوین جرایم و تعیین ضمانت اجرای کیفری، ترغیب‌گر ورود تعداد بیشتری به گود بزهکاری است. در انتها نبایستی از توانمندی اهرم اخطار و تحذیر به معنای آگاهی عمومی از قوانین و کیفیت جرایم و مجازات‌ها غافل ماند، رویکردی که بخشی از هدف بازدارندگی عام در اجتماع را جامه‌ی عمل می‌پوشاند، زیرا تا زمانی که افراد از غیر قانونی بودن برخی اعمال آگاه نباشند، نمی‌توانند از ارتکاب آن هراس داشته باشند، لذا اعلام رفتارهای مستحق مجازات از یک سو برای مجرمان بالقوه اخطارآمیز است و از سوی دیگر با ارائه‌ی اطلاعات لازم به بزه‌دیدگان بالقوه، در کاهش بزهکاری، مؤثر است. هم‌سو با این دیدگاه است که برخی از قانون‌گذاران با التفات ویژه نسبت به «حق دانستن مردم» طرفدار تصویب قوانین، ضمن ارائه‌ی اطلاعات لازم راجع به برخی از مجرمان به جامعه هستند، که بدین سان با تیر پیکان آگاهی عمومی، دو هدف افزایش ضریب امنیت عمومی و کاهش امکان ارتکاب جرم را نشانه می‌روند، نشانه‌گیری که به هدف پیشگیری از جرم، اصابت خواهد نمود (غلامی، ۱۳۸۲، ص ۲۲). بنابراین مسیر کنونی اطلاع‌رسانی رسانه‌های گروهی به ویژه مطبوعات که بیشتر متمرکز بر بیان انواع جرایم رخ داده هستند، بدون آن که اغلب اوقات در ادامه سخنی از مجازات فرد مرتکب به میان آورده‌اند، مسیر مطمئنی برای تأمین تحذیر عمومی نیست، لذا در اکثر موارد، مردم جامعه پس از مواجهت با اخبار گوناگون جرایم در صفحات حوادث، در انتها با مشاهده عبارت «مجرمان تحویل مقامات قضائی شدند» در جریان مجازات مجرم که ذکر خبر مربوط به آن، هم به لحاظ عبرت‌آموزی و هم تشفی قلب مظلومان و آرامش روحی جامعه مؤثر است، قرار نمی‌گیرند، موضوعی که بعضاً باعث ایجاد این تلقی می‌گردد که مجرمان به مجازات مقرر قانونی خویش نمی‌رسند، یعنی پیدایش طرز تفکری که تلاش‌های پیشگیرانه را با بن‌بست جدی مواجه



می‌سازد. بنابراین، اشارات اختراگون به شهروندان چه از طریق مطبوعات و چه از طریق سایر رسانه‌های گروهی مثل رادیو و تلویزیون و به ویژه از طریق زیرنویس‌های کوتاه و گویا در برنامه‌های پربیننده و یا حتی ارسال پیامک (sms) به روی تلفن‌های همراه و یا توزیع بروشورهایی در این زمینه، با معرفی جرایم و به خصوص مجازات، از ره بازدارندگی به پیشگیری خواهد انجامید.

### **بخش پنجم: مفهوم‌شناسی پلیس و وظایف آن**

#### **بند اول: ضرورت توجه بیشتر به پیشگیری انتظامی و امنیتی**

پیشگیری از وقوع جرایم و جلوگیری از فروافتادن افراد در ورطه جرم و گناه یکی از آمال و آرمان‌های تمام جوامع بشری است و رشد روز افزون و پیچیدگی‌های خاص جرایم و پائین آمدن سن ارتکاب جرم از عواملی است که بر اهمیت و ضرورت توجه بیشتر به پیشگیری انتظامی می‌افزاید. «علی اکبر باصری» مدرس دانشگاه، در مقاله‌ای به بررسی این موضوع پرداخته است. به گزارش ایسنا، خلاصه‌ی این مقاله به این شرح است: «جرم‌شناسی ناسازگاری افراد در اجتماع را عمل ضداجتماعی و جرم می‌داند. به عقیده جرم‌شناسان هر فعل یا ترک فعلی که برای اکثریت افراد یک جامعه خطرناک باشد باید جرم نامیده شود. در جرم‌شناسی مفهوم جرم از نظر دفاع اجتماعی از طریق کیفر، طرد، اصلاح و درمان بزهکاران مطرح است. بنابراین مفهوم جرم در جرم‌شناسی فارغ از بررسی حقوقی و قضایی مربوط به شرایط قانونی پدیده مجرمانه بوده، بیشتر اوضاع و احوال فردی و اجتماعی قبل از ارتکاب جرم را مورد توجه قرار می‌دهد. جرم‌شناسی براساس مشاهدات و تجربیات علمی به دنبال تعیین رفتارهای ضداجتماعی است تا از این طریق بتواند حمایت جامعه را امکان‌پذیر کند. از دیدگاه جرم‌شناسی واکنش‌های جامعه نسبت به مجرمان وسیع‌تر از دیدگاه جزایی است و در یک تقسیم‌بندی می‌توان این واکنش‌ها را به سه دسته اقدامات پیشگیرانه، اقدامات تأمینی و تربیتی و مجازات‌ها تقسیم کرد.

#### **بند دوم: اقدامات پیشگیرانه**

همان‌گونه که نمی‌توان هیچ یک از امراض را ریشه‌کن نمود، بزهکاری و ارتکاب جرم را نیز نمی‌توان به صورت کامل و مطلق ریشه‌کن کرد؛ ولی می‌توان با اقدامات پیشگیرانه و مجازات‌های صحیح علل ارتکاب جرم را تقلیل داد. همه ما مجرمان بالقوه هستیم. تنها چیزی که مجرم و غیرمجرم را متمایز می‌کند، این است که مجرم مرتکب جرم شده است و سدهای انفرادی و اجتماعی توانسته



او را از ارتکاب جرم باز دارد و او در موقعیت خاص مرتکب عمل کیفری شده است. جرم‌شناس با بررسی راه‌های ارتکاب جرم همواره به دنبال یافتن راهی است که مجرم در موقعیت ارتکاب جرم قرار نگیرد و از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا نگذارد که مهم‌ترین این راهها اقدامات پیشگیرانه است. امروزه مشخص شده که راه جلوگیری از پیدایش جرم تنها استفاده از مجازات نیست. اقدامات انفرادی و اجتماعی دیگری نیز وجود دارد که بیش از برقراری مجازات مؤثر است و به همین علت است که دولت‌ها در صدد استفاده از اقدامات پیشگیرانه برآمده است. کیفر بزهکار را اصلاح نمی‌کند؛ بلکه در او ایجاد کینه می‌کند و وی را دشمن جدی و خطرناک جامعه می‌سازد. به این ترتیب شاید بتوان گفت کیفر به نوعی تشویق به تکرار جرم است و زندان و ندامتگاه، آبرویی برای افراد خاطی باقی نمی‌گذارد و فرد بی‌آبرو برای جامعه بسیار خطرناک است. به عبارتی کیفر مبارزه با بزهکار است نه بزهکاری. جرم‌شناس سعی می‌کند عواملی که باعث به وجود آمدن جرم می‌شود را شناسایی کرده و با آنها مبارزه کند. اساسی‌ترین عمل یک جرم‌شناس پیشگیری است. استفاده بیش از حد هر قانون موجب بی‌ارزش آن قانون می‌گردد و کثرت استفاده از مجازات‌ها باعث می‌شود که جرم قبیح خود را در جامعه از دست بدهد. پس تلاش‌های جرم‌شناس در واقع برای خود قانون هم، در شرایطی یک نوع رابطه و احترام پیش‌بینی می‌کند تا از طریق احترام به قوانین به پیشگیری‌های موفقیت‌آمیز دست یابد.

### بند سوم: اقدامات تأمینی و تربیتی

توسعه و گسترش علوم به خصوص اشاعه و نفوذ زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی در قلمرو شناخت انسان از اواخر قرن نوزدهم موجب گردید تا پدیده مجازات نیز مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد و لزوم اجرای آن با شدت و حدتی که وجود داشت، مورد تردید واقع شود. بر همین مبنا جامعه در قبال مجرم به دلیل این شناخت جدید، عکس‌العمل معتدل‌تری را پذیرفت که در ابتدا عنوان «اقدامات تأمینی» و سپس در برخی از کشورها «اقدامات تأمینی و تربیتی» نام گرفت؛ عنوانی که امید به حصول موفقیت در جلوگیری از جرم و بخصوص تکرار آن را زیاد می‌کرد. نحوه اعمال این اقدامات حسب سیاست کیفری و جنایی کشورهای مختلف فوق می‌کند، به طوری که در برخی از کشورها (سیستم‌های حقوقی) مجازات‌ها و اقدامات تأمینی در کنار هم به اجرا درمی‌آیند. در بعضی دیگر اقدامات تأمینی مقدم بر اعمال کیفرهاست و در پاره‌ای از آنها اقدامات تأمینی مؤخر بر اجرای مجازات‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. داده‌های تجربی و علمی عصر حاضر بیشتر متمایل به اجرای



همزمان اقدامات تأمینی و مجازات‌ها گاه تقدم اقدامات تأمینی است؛ زیرا تمایل شدید به اصلاح بزهکاران و باز اجتماعی کردن آنان ضرورت اعمال این اقدامات را بیش از گذشته آشکار می‌کند. از سوی دیگر نمی‌توان مقاومت آن گروه از حقوقدانان جزایی که متمایل به اجرای مجازات‌ها و حتی تشدید آنها هستند و به دلایل مختلفی به رد اقدامات تأمینی متوسل می‌شوند را نادیده گرفت؛ چرا که یورش ایشان به اعمال این اقدامات گاه خطرهای جدی برای طرفداران تعدیل در اجرای مجازات‌ها ایجاد کرده است.

با وجود اختلاف موجود در مفهوم بزهکاری در حقوق کیفری، اکثر ممالک در برابر آن مواضع مشترکی دارند این مواضع عبارتند از:

۱- غیرقابل بخشش بودن جرم به طور کلی.

۲- متناسب بودن مجازات با هرج و مرج اجتماعی ناشی از جرم.

۳- پیش‌بینی عکس‌العمل برای ارتکاب عمل مجرمانه.

جرم‌شناسی ضمن قبول اصول کلی این مفاهیم معتقد است که در هر زمان و مکان در هر شرایطی که عمل بزهکارانه اتفاق می‌افتد باید قبل از انجام هر کاری مبادرت به شناسایی همه جانبه شخصیت مجرم، گذشته مجرم، امیال و هواهای سرکوفته، شرایط زندگی و بالاخره علل وقوع جرم ورزید و نمی‌توان صرفاً به لحاظ یک عمل خلاف برای فردی بدون ملاحظه عوامل فوق‌الذکر مجازات معین نمود. افراد با توجه به مقتضیات زندگی، جنس، سن، ویژگی‌های روانی و عاطفی با هم متفاوت هستند و با بررسی این عوامل و درک صحیح از آنهاست که می‌توان مجازات مناسبی برای عامل جرم در نظر گرفت. بدیهی است؛ با امعان‌نظر در عوامل مذکور هنگام تعیین مجازات به اهداف انسان دوستان جرم‌شناسی؛ یعنی معالجه بیماری و پیشگیری آن در جهت سالم‌سازی محیط جامعه، عمل کرده‌ایم. باید توجه داشت در حقوق جزا وجود اصل قانونی بودن مجازات خود می‌تواند به نوعی در ایجاد جرم در جامعه کمک نماید و از نظر حقوق جزا مادامی که فعل مجرمانه انجام نگرفته است نمی‌توان برای آن مجازات تعیین نمود؛ اما جرم‌شناس اعتقاد دارد که هرگاه حالت خطرناک وجود داشته باشد، اگرچه عمل مجرمانه انجام نشده باشد، باید به اقدامات پیشگیرانه و حتی مجازات دست زد تا جامعه از این خطرات مصون بماند. همانگونه که دید جرم‌شناس در پیشگیری از وقوع جرم وسیع و گسترده است، دید جرم‌شناس در مجازات نیز وسیع است و هر فعل یا ترک فعلی که در قانون



نیز برای آن مجازات تعیین نشده باشد؛ اما از دید اجتماعی جرم محسوب شود را شامل می‌شود. اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق جزا یکی از اصول بنیادین است که موجب از بین رفتن خودکامگی قضات می‌گردد. همچنین در اصل ۳۶ قانون اساسی در خصوص اهمیت حقوق شهروندان و کاستن از خودکامگی احتمالی قضات آمده است، حکم به مجازات و اجرای آن تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون ممکن است و به پیروی از این اصل در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است «هر فعل یا ترک فعلی که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود». بنابراین از دیدگاه حقوق جزا همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد هر فعل یا ترک فعل را می‌توان جرم دانست که در قانون جرم شناخته شده است؛ اما از دیدگاه جرم‌شناسانه این اصل خالی از اشکال نیست؛ زیرا همان‌طور که بیان گردید از دیدگاه جرم‌شناسی علاوه بر جرایمی که در قانون معین شده جرم‌های دیگر نیز وجود دارد که در قانون احصا نگردیده است. در قوانین ایران با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که اذعان می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. اولاً از این اصل چنین نتیجه‌گیری می‌شود که قانونگذار نیز پذیرفته که دعوایی وجود دارد که در قانون از آن یاد نشده است. ثانیاً قاضی موظف است که این احکام را در منابع معتبر اسلامی بیابد و حکم قضیه را صادر کند. از دیدگاه جرم‌شناسی دامنه جرایم وسیع‌تر و به تبع آن گستره مجازات‌ها نیز وسیع‌تر است و قاضی برای مجازات، قلمرو وسیع‌تری را در اختیار دارد. مخلص کلام این که جرم‌شناسان در سلسله مراتب برخوردار با مجرمان در وهله نخست سعی در پیشگیری از وقوع جرم و در وهله دوم نظر به اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی و در نهایت نظر به اجرای مجازات و کیفر دارند.

### بند چهارم: ضرورت پیشگیری انتظامی و امنیتی

پیشگیری انتظامی بر پایه اقدامات پلیسی در جهت حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم مبتنی است. متولی اصلی این نوع پیشگیری، نیروی انتظامی است که جهت تحقق آن، بایستی رویکرد جدیدی را نسبت به وظایف سستی خود اتخاذ کند، زیرا پیشگیری انتظامی عمدتاً مبتنی بر تدابیر و اقدامات کنشی -





پیش جنایی- توسط پلیس است و حال آنکه وظایف سنتی پلیس عمدتاً در برگیرنده اقدامات واکنشی- پس جنایی- در جهت کشف و تعقیب مجرمین است. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان پیشگیری انتظامی را اینگونه تعریف نمود؛ مجموعه تدابیر و اقدامات کنشی و واکنشی نیروی پلیس که با حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی، افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم و مداخله پس از وقوع جرم و مداخله پس از وقوع جرم در صدد پیشگیری از ارتکاب جرم در جامعه است. برای تبیین موضوع ابتدا به مفهوم و مبانی پیشگیری انتظامی و سپس به ارائه راهکارها و پیشنهادها پرداخته می‌شود.

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه شد، در اندیشه بازدارندگی، تأثیرگذاری بر توان تصمیم‌گیری افراد در ارتکاب اعمالشان از طریق نمایش تحمیل نهاد سرکوب‌گر بر مجرمان، خاکریزی است، در جهت حمایت از لزوم کاربرد ضمانت اجرایی کیفری بر مرتکبان، مسأله‌ای که ملازمتی دیرین با پیشگیری از جرم دارد. شایان ذکر است که اعتماد به ابزار پیشگیری کیفری که از قدمتی دیرین برخوردار می‌باشد، امروزه نیز در جوامع کنونی، پس از یک وقفه نسبتاً طولانی و به ویژه متعاقب ناکامی‌های حاصله از روش‌های اصلاح و درمان، طرفداران بسیاری را به خود جلب نموده است، طرفداری که مخصوصاً در کشور خودمان با توجه به اجرای بی‌درپی انواع مجازات‌ها به صورت علنی و در ملاء عام در سال‌های اخیر رخ می‌نمایاند، به طوری که علاوه بر این حرکت می‌توان فلسفه‌ی اجرای طرح‌های ارتقای امنیت اجتماعی و اخلاقی از جانب نیروی انتظامی و حضور هرچه پررنگ‌تر پلیس در ابعاد انتظامی و راهنمایی و رانندگی در سطح جامعه را در همین راستا، یعنی ایجاد ترس در زمینه‌ی گذشتن از خط قرمزهای اجتماعی دانست، هرچند که بایستی به کاستی‌های تدبیر پیشگیری کیفری نیز اذعان داشت و برای پر کردن خلأهای موجود، بهره‌جویی از سایر تدابیر پیشگیری را از یاد نبرد، چرا که اثرگذاری روش‌های کیفری پیشگیری در برخی ابعاد نیازمند انجام اقدامات پیشینی پیشگیری است.



## منابع و مأخذ

### الف) کتب

۱. آشوری محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چاپ اول، تهران، نشر گرایش، ۱۳۹۰
۲. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ هجدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲
۳. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، محمد علی اردبیلی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲
۴. بولک، برنار، کیفرشناسی، علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۵
۵. پرادل، ژان، تاریخ، تاریخ اندیشه‌های کیفری، علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸
۶. تیت، مارک، فلسفه حقوق، حسن رضایی خاوری، چاپ اول، مشهد، موسسه فرهنگی قدس، ۱۳۹۵
۷. روت، میچل، تاریخ عدالت کیفری، ساناز الستی، جلد نخست، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰
۸. شمس ناتری، محمد ابراهیم، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸
۹. شورای اروپا، گزارش جرم‌زدایی اروپایی، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسیل، ۱۳۹۴
۱۰. صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵
۱۱. ظفری، محمد رضا، مبانی عدالت جزایی در حقوق اسلامی، چاپ دوم، تهران

### ب) مقالات

۱۲. بابایی، احسان، «مبانی حقوق شهروندی در اسلام»، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۸۸
۱۳. بهرامی، بهرام، ۱۳۸۸/۱۱/۲۵، «توقف اجرای علنی اعدام»، روزنامه همشهری.
۱۴. داوودی گرمارودی، هما، «مکتب نئوکلاسیسیم باز اندیشیده و احیای رویکرد سزادهی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۸.
۱۵. رضایی سیاوش، ۱۳۹۰/۲/۷، «خلاء قانونی در مبارزه با قاچاق کال»، روزنامه ایران.
۱۶. شیرینی، عباس (۱۳۹۰)، «جلوه‌هایی از عدالت ترمیمی در حقوق اسلامی»، اندیشه‌هایی در حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق، (الف)



۱۷. شیرینی، عباس، (۱۳۹۵)، «عدالت ترمیمی»، رساله‌ی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، (ب)

۱۸. شیرینی، عباس (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه مطالعات و پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، شماره ۲، دوم، (ج)

۱۹. فلاحتکان، گری گوری، (۱۳۸۸)، مهندسی جرم، عباس ایمانی، مجله کانون و کلا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی